

امضای قریب الوقوع

یک تفاهم نامه هنری

میان ایران و تاجیکستان

هیأت هنری از تاجیکستان شامل عالم جان صالح زاده رئیس ارکستر ملی تاجیکستان، نصرتا... محمد... معاون رئیس ارکستر ملی تاجیکستان و محمدی مظفر معاون سفیر تاجیکستان در تهران با حضور در تالار وحدت با مدیران بنیاد رودکی ووزارت فرهنگ وارشاد اسلامی دیدار وگفت‌وگو کردند. در ابتدای این جلسه عالم جان صالح زاده، رئیس ارکستر ملی تاجیکستان ضمن ارائه سابقه‌ای از فعالیت ارکستر ملی

موسیقی نه‌فقط ارتباطی به خود ماهیت موسیقی ندارد، بلکه بیشتر از سوی افرادی باانظرات غیرکارشناسی اعمال می‌شود. همین‌که موسیقی کشور هنوزسند مشخصی ندارد وبه‌تازگی برخی مدیران فرهنگی وهنری بر لزوم و توجه به آن تاکید دارند، خود گواه این موضوع است که عدم شناخت کارکردهای موسیقی در فرهنگ از سوی هیچ فردی قابل شناسایی نیست و همین امر موجب شده تبعات نبود چشم انداز به جشنواره فجر نیز سرایت کند.

بی توجهی به راهکارهای ساده

جشنواره موسیقی فجر امروزه شامل بخش های موسیقی کلاسیک، دستگاهی، معاصر یا تلفیقی، پاپ و نواحی است. در هر کدام از این بخش ها جوایزی تحت عنوان خوانندگی، آهنگسازی، نوازندگی و اجرا اهدا می شود. برخلاف تصور، اضافه کردن بخش ها به خصوص بخش پاپ، کمکی به جشنواره نکرده است. موسیقی پاپ با توجه به اقتضائات خودش به عنوان یک صنعت سرگرمی می توانست رویداد یا جشنواره خاص خودش را داشته باشد. به رغم این که بخش موسیقی نواحی جذاب ترین و پرمخاطب ترین

بخش هم از آنجا که جشنواره ای خاص خود دارد، می توانست در جشنواره حضور نداشته باشد و تنها موسیقی کلاسیک و دستگاهی که هر دو در تعریف موسیقی کلاسیک می گنجند، در قالب موسیقی حرفه ای کشور با هم

تاجیکستان گفت: دو اثر موسیقایی کشور تاجیکستان در فهرست میراث یونسکو به ثبت رسیده است و امیدوارم تا این ارکستر بتواند در سال آینده در تهران و چند شهر دیگر ایران به اجرای برنامه بپردازد تا با ظرفیت های موسیقی ایرانی بیشتر آشنا شده و نوازندگان ما بتوانند از مهارت و چیره دستی نوازندگان ایرانی بهره برده و تجربه ارزنده ای به دست بیاورند. امیرحسین سمیعی، مدیرکل دفتر موسیقی نیز گفت: آن چه که

رقابت کنند؛ این تعدد بخش ها مهم ترین نقطه ضعف جشنواره فجر است. از طرف دیگر عدم ثبات مدیریت، روش ها و داوران که نتیجه فقدان آکادمی و دبیرخانه دائمی جشنواره است، روزبه روز هنرمندان بزرگ را از جشنواره دور کرده است و تنها چاره بازگشت اعتبار جشنواره این است که بنیاد یا آکادمی ویژه ای برای این جشنواره تأسیس شده و چهره ای مقبول از بین استادان موسیقی با روش و منش مشخص، این بنیاد را اداره و جشنواره را به عنوان تابعی از این بنیاد برگزار کند.

از طرف دیگر تلاش برای جذب همه سلیقه ها، یک تلاش اشتباه است؛ به هر حال جهان تکرر است و چه نخواهیم، چه نخواهیم بخشی از جامعه هنری موافق یک نوع نگاه و بخشی مخالفان هستند؛ داشتن رویکرد مشخص و تداوم و پایدردی بر این رویکرد می تواند برای جشنواره اعتباری مشخص بیافریند؛ چرا که مخاطبان هنرمند جشنواره درخواهند یافت که فلان جشنواره براساس فلان معیار و رویکرد مشخص همه ساله برگزار می شود و در صورت علاقه مندی با رعایت آن معیارها می توانند در جشنواره حضور داشته باشند. سخن نهایی این که بازگشت هنرمندان درجه یک به عنوان

شرکت کننده و بازگشت مخاطب هنرمند به عنوان تماشاگر در جشنواره در گرو بازگشت دبیران صاحب نام و صاحب مکتب و داوران مقبول است. چهره های هنری بزرگ و صاحب مکتبی مانند حسین علیزاده، محسن نفر، شهرام ناظری، رامبد صدف، بردارن کامکار و... گنجینه های موسیقی ایرانی هستند که اتفاقا در راستای فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی هستند؛ عدم بهره وری از این چهره ها در برگزاری جشنواره فجر و سایر عرصه های موسیقی، یک زیان جبران نشدنی

برای کشور و انقلاب اسلامی ایران است.

بدون شک اگر روزی قرار باشد فردی مانند رامبد صدف که بزرگ ترین استاد آواز در صدساله اخیر است به عنوان دبیر یا داور در جشنواره حضور داشته باشد، همه بزرگان موسیقی بدون درنگ برای شرکت در جشنواره از همدیگر پیشی خواهند گرفت؛ همچنان است اگر بزرگانی مانند شهرام ناظری، حسین علیزاده و... دبیران جشنواره باشند. از سوی دیگر همین بهانه ای برای همراهی بیشتر این هنرمندان با اهداف فرهنگی نظام اسلامی خواهد بود.

برای مخاطب ایرانی و تاجیکی حائز اهمیت است، اشتراکات زبانی دو کشور است، ایده ادغام ارکسترهای دو کشور و اجرای موسیقی با استفاده از شعر و کلام می تواند در تعمیق پیوند موسیقی ایران و تاجیکستان موثر باشد. در پایان مقرر شد تفاهم نامه ای مشترک میان وزارت فرهنگ تاجیکستان و بنیاد فرهنگی هنری رودکی تنظیم و با توافق طرفین به امضا برسد.



درنگ

تفکر قحط الرجالی

نحوه برگزاری سی و نهمین دوره جشنواره موسیقی نشان داد که هنوز بزرگترین چالش پیش روی متولیان، نداشتن نقشه راه و برنامه مدون است. برنامه ای که سرلوحه کار همه دبیران قرار گیرد. اهداف خرد و کلان داشته باشد و برای اعتلای

موسیقی ایران چشم انداز تعریفی کرده باشد. سی و نه دوره می گذرد اما همچنان با استراتژی شخصی ـ سلیقه ای و رفع تکلیفی قالب ترین سیاست گذاری است که جشنواره را به جلو می برد. این را به راحتی می توان از دل یادداشت دو سال پیش رضا مهدوی که در قامت یک منتقد با تیتیر لطفاً تفکر قحط الرجالی را فراموش کنید» و تاکید بر بازنگری جدی در روند برپایی این رویداد ملی نوشت، استخراج کرد. نقطه منفی هایی که حتی با دبیری او در جشنواره امسال نیز همچنان باقی است.

مهدوی در این یادداشت که پس از جشنواره سی و هفتم در رسانه ها منتشر شد چند نقد جدی بر پیگیره جشنواره داشت که با مروری بر آنها می توان به عمق بلاتکلیفی جشنواره پی برد. او در این یادداشت با اشاره به این که جشنواره هر سال «بدون خروجی مناسب از هر حیث در محتوا و در خلق بیان اثری نو» برگزار می شود بر چند نکته مهم تاکید داشت:

اولین و مهم ترین نقد او بر جشنواره نداشتن «قوام و قدرتی در قامت برنامه ریزی و سیاست گذاری برای کلیت امور موسیقی در کشور» است. نکته ای مهم که گرچه متولیان امر همواره در کلام به آن تاکید دارند اما در عمل مورد توجه نبوده است. مهدوی انتصابی بودن تیم اجرایی را یکی دیگر از ایرادات مهم جشنواره عنوان کرده بود: «دبیر و اجراییات و... تا نظارت و ارزشیابی منسوب و حکم گرفته از رئیسی که پست دولتی دارد... با سلام و صلوات و بچه و چهچه و پاداش و خوشامد و اختتامیه ای تا سال بعد بدون انعکاس نقطه نظری مبنی بر ضعف ها و کمبود ها و ارائه راه حل ها برای جبران در سال های بعد که باعث انفعال هرچه بیشتر می شود». این که با وجود متفق القول بودن نظر صاحب نظران که برای ارتقای هنر باید هنر را به هنرمندان سپرد. آنها باید برای هنر کشور تصمیم بگیرند و چشم اندازش را براساس علم و تجربه مشخص کنند. موضوه ای که هنوز بعد از ۴۰ سال مورد توجه قرار نگرفته و دیگر نیاز به آسیب شناسی جدی دارد. همین عدم اعتماد در آن سال مدای این آهنگساز مطرح را درآورده بود. وقتی که نوشت: «می توان آیین نامه ای منزه داشت، البته اگر مدیران بالادستی بخواهند که نمی خواهند، چون تصدیگری را عالمانه و تجربه گرایانه بر خود می پسندند.» نتیجه همین تدابیر سلیقه ای متولیان در طول این سی و نه دوره ابهاماتی شد که در دل سؤالات مهدوی در آن یادداشت نهفته بود:

چرا بزرگان موسیقی از دهه ۸۰ تا کنون حضور نیافتند یا جسته و گریخته و بی انگیزه آمدند؟! چرا نخبگان جوان تعداد اندکی شان حضور دارند ولی نه با آثار نو و تازه؟! چرا افراد تکراری سال ها پشت سرهم یا با فاصله به رغم کاستی های فراوان در جایگاه دبیری یا دریافت دستمزدهای نسبتا هنگفت با کمترین اطلاعات اجرایی و انگیزه انقلابی انتخاب می شوند؟!

چرا اجراهای تکراری فرد یا گروه هایی که گویی سرقفلی جشنواره هستند و هر ساله به یک شکل ثابت رفتار، ظاهر و اجرا دارند باید به عنوان ژنت المجاس باشند؟!

چرا استقبال مردمی بسنده شده به اجراهای حاشیه ای برج میلادی و سال ها قبل تر سالن وزارت کشور با عنوان بخش جنبی از منتخبان موسیقی پاپ آن هم با اجازه خواهی از مافای موسیقی؟!

چرا اجراهای فاخر و سنگین دیگر مخاطب ندارند یا کم مخاطب هستند؟! چرا از موسیقیدانان زن با توجه به جایگاه های علمی، پژوهشی، آموزشی، اجرایی و... که دارند تاکنون در چنین عرصه هایی بهره برداری نشده است؟! عرصه هایی موجه هیات علمی و مدیر دانشگاهی و دنیا دیده از هر نظر دکتر آذین موحد یا دیگرانی در این سطح با تجربیات موفق در عمل و نظر که ترکیبی از دانش معوری و برنامه سالاری درعین نگاه به توده مردم چه بسا از مردان موسیقی به عبارتی زَکَل که زن و مرد را در عرصه سیاست شامل می شود و از نگاه قرآنی منبعث است تاکنون راس جشنواره ها نبوده اند...؟! و... تا فرا رسیدن چهلمین دوره جشنواره، یکسال زمان داریم. یک سالی که اگر از لحظه به لحظه اش به درستی استفاده شود، می تواند منشأ اتفاقات بزرگی در عرصه موسیقی باشد. متولیان حالا پس از این همه نقص که حاصل برخوردهای شخصی و استراتژی های سلیقه ای، کارشناسی نشده و گاه بدون پایه و اساس بوده اند باید راه چاره ای بیابند.شند. موسیقی کشور نیاز مبرم به نقشه راه دارد.

جشنواره بین المللی فجر که به نظر فقط عنوان بین المللی بودن را بدگ، می کشد باید ویرترین موسیقی ایرانی باشد؛ چون قرار است جهان از این طریق با گستره موسیقی ایران که قدمتی به درازای یک تمدن دارد آشنا شود. گزافه نگفته ایم که اگر عنوان کنیم موسیقی نحیف شده ایرانی که معجونی رنگارنگ و پربار از موسیقی سنتی، موسیقی محلی و موسیقی اقوام است با چند بزرگی زنده است که هنوز قدرت دستشان را دارند. لازم است نقشه راه کامل، شفاف و دقیق داشت. اهداف خرد و کلان را به خوبی مشخص و زیرساخت های درست فراهم کرد: همچنین دانشگاه ها را فعال و جوانان را علاقه مند به حضور در این گستره کرد. لازمه همه اینها به نظر این است که متولیان پذیرند دیگر وقت آن است که به «تفکر قحط الرجالی که سالیانی است در معاونت هنری و دفتر موسیقی و خانه موسیقی تار عنکبوتی شده و تبدیل به باور» پایان داد و پیشنهاد رضا مهدوی را که از زبان خیالی از هنرمندان دیگر نیز جاری و ساری شده، جامه عمل پوشید: «پیشنهاد می شود شخصیت هایی چون استاد حسین علیزاده، استاد علی اکبر شرارچی، استاد کیهان کلهر یا از نسل نو هم هنرمندانی مثل علی قنصیری، اردوان کامکار و سیامک آقایی سکان هدایت جشنواره موسیقی فجر را به عهده بگیرند؛ اگر این گونه برای این نوع از موسیقی اهمیت قائلید و از عنوان چراغ روشن اش هراس دارید در جشن انقلاب حداقل بیایید جشنواره مستقلی را برای انواع موسیقی پاپ تا رَپ وطنی شده با زمینه های پژوهشی ـ آموزشی تدارک ببینید که حداقل این اوضاع اسفناک تولیدات پاپ قُست قودی به دنبال هویت شاخص را سرو سامان دهی کنید.»

برش

بلندپروازی بی هدف و مخرب

یکی از مشکلات اساسی که در سال های اخیر گریبان موسیقی کشور را گرفته است، نبود زیرساخت های لازم یا همان سالن های اجرا است که همین امر باعث شده تا رنگ و بوی موسیقی کلاسیک، دستگاهی و نواحی کمتر شود و گروه ها و افراد کمی بتوانند از پس هزینه های برگزاری کنسرت برپایند. از همین رو فقط موسیقی پاپ است که می تواند از پس هزینه های گزاف برگزاری کنسرت برآید؛ بر همین اساس در ساختار جشنواره موسیقی فجر باید اندیشید که فضای جشنواره باید در اختیار گروه های

۹

بودارتباط با گان موسیقی ذیب آنها برای رور در جشنواره

۱۰

نبوده سیاست گذاری برای جایگاه تعیین کنندگی جشنواره فجر در تولیدات موسیقی.

«رنگ و نشان» روی سن می رود

«گروه موسیقی آوا» به همراه «گروه هنری وشتان» با نمایش «رنگ و نشان» روز ۱۸ اسفندماه در تالار وحدت به اجرای برنامه می پردازد. نمایش آئینی رنگ و نشان کاری مشترک از گروه هنری وشتان و گروه دف نوازان آوا به نویسندگی و کارگردانی الهه

دباغی و تهیه کنندگی مجید فلاح پور و نوازندگی گروه آوا به سرپرستی آتنا سعیدی جهانگرد و امیرحسین سعیدی جهانگرد به صحنه می رود. اجراگران نمایش آئینی رنگ و نشان متشکل از فرزانه اخوان، مریم اخوان گوران، فرناز اздری، زهرا اکبری، راضیه آریا فرد، آیدا بیاتی، فائزه پورجارجری، عطیه جانقریان، فاطمه جهانی تابش، سنایش جواد، دنیا دامک، الهه دباغی، نیلوفر ستوده، ثریا سلیمانی، بهنوش شاه ابراهیمی، زهرا شکر، محدثه شوقی، ندا صباچی، نیلوفر عزیزز، سحر علی نقی، آیسان فتحی، الهام فراهانی، نگین فنائی، فاطمه قدیری فرید، رقیه قریشی، ساراقلی زاده، فاطمه کشانی، سایناسامیعی، الهام نجف، سارا نصرتی و سپیده وینه است. / میزان



نشر

انتشار آلبوم جدید

«موسیقی عرب های خوزستان»

آلبوم «موسیقی عرب های خوزستان» مشتمل بر موسیقی شهری و روستایی، موسیقی صحرانشینان و گونه های دیگر این منطقه با پژوهش و متن محمود مشهودی پیش روی مخاطبان قرار گرفت. محمود مشهودی، پژوهشگر این آلبوم موسیقیایی درباره مجموعه «موسیقی عرب های خوزستان» نوشته است: در ایران، بیشترین تراکم جمعیتی قوم عرب واقع در جنوب غربی کشور و مناطق مرکزی، غربی و جنوبی استان خوزستان است. قوم عرب ساکن استان خوزستان را می توان بر اساس نوع زیست، معیشت و فرهنگ، به پنج دسته عرب حضری (شهری)، ربفی (روستایی)، بدوی (صحرانشین)، معدان (هوشنشین) و جبیلات (عرب بختیاری) تقسیم کرد. به جز سه نوع موسیقی «حضری» (شهری)، موسیقی «شعبی ربفی» (مردمی روستایی) و موسیقی مردم پسند، گونه های دیگری نیز در میان عرب های خوزستان رایج است. نقش موسیقی در مراسم شادمانی، رقص، حرکات حماسی، عزاداری، مذهبی و لالایی بسیار مهم و تعیین کننده است. ولی در فعالیت هایی مانند کارهای گروهی و انفرادی، مراسم آئینی، بازی های کودکانه، مراسم طنز و داستان خوانی، می توان گفت، موسیقی در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد؛ به صورتی که گاهی نیز این دسته از مراسم بدون حضور موسیقی برگزار می شوند. / ایسنا

سرود «بهار جان ها» منتشر شد

گروه سرود میثم، اثر جدیدی به نام «بهار جان ها» را با هم نواپی جمعی از دختران و پسران کودک و نوجوان گروه سرود میثم وابسته به پایگاه شهید روستایی منتشر کرد. «بهار جان ها» را اسماعیلی روستایی سروده و هم نواپی دختران خردسال و پسران کودک و نوجوان دیده می شوند.



نماهنگ

